

ساخت منطقی [۱] و طرح یک مسئله

محمد راسخ مهند

۱-۱- مقدمه

در مطالعه زبان موضوعات بسیار اندکی وجود دارد که زبان شناسان در مورد آنان اتفاق نظر دارند. یکی از این موضوعات این است که جملات رابط آواها با معانی هستند. بلو مفیلد می نویسد. "در گفتار انسان آواهای مختلف معانی مختلفی دارند. مطالعه ارتباط میان آواهای ویژه با معانی ویژه مطالعه زبان است." (بلو مفیلد ۲۷: ۱۹۳۳)

یکی از اهداف اصلی دستور زایشی از نخستین روزهای پیدایش آن این بوده است که نشان دهد چگونه جملات زبان معانی را القا می کنند. در نظریه معیار دستور زایشی ژرف ساخت را محل تعبیر معانی جملات می دانستند و اعتقاد بر این بود که گشتارها نمی توانند معانی جملات را تغییر دهند. (چامسکی: ۱۹۶۵). پس از دهه ۱۹۷۰، و بحثهای مطرح شده در معنی شناسی زایا طرفداران معنی شناسی تعبیری در باور نخستین خود تغییراتی داند و در نظریه معیار گسترده به این موضوع اصرار ورزیدند که سطوح

نحو دیگری به غیر از ژرف ساخت نیز می‌تواند در تعبیر معنی جمله تاثیر بگذارد. (جکنداف ۱۹۷۲). اما معرفی نظریه اثر [۲] در اواسط دهه ۱۹۷۰، گشتاریون را بر این باور سوق داد که برون ساخت [۳] به تنهایی می‌تواند محل تعبیر معانی باشد. در نظریه معیار گسترده تعدیل شده [۴] این باور به وجود آمد که گشتارها در اطلاعات دستوری بنیادین جمله‌ها تغییری به وجود نمی‌آورند. برای مثال اگر فعلی در درون ساخت [۵] جمله دارای یک مفعول باشد در برون ساخت نیز باید مفعول خود را حفظ کند. به این ترتیب باید عناصری که توسط گشتار حرکت آلفا [۶] جابجا می‌شدند یک اثر هم نمایه [۷] با خود در برون ساخت به جامی گذاشتند. به عبارت دیگر نظریه معیار گسترده تعدیل شده رابطه بین معنی و دستور را مانند نمودار (۹) نشان می‌داد.

پژوهشهای انجام شده در اواخر دهه ۱۹۷۰ به این نتیجه منتهی شد که نظریه معیار گسترده تعدیل شده نیز دارای معایبی است و باید اصلاح شود. یکی از موارد ادعا شده این بود که برون ساخت به تنهایی نمی‌تواند به تعبیر کامل جملات منتهی شود. و به همین علت در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی [۸] مرکز کنترل شرایط دستوری در ساخت منطقی قرار دارد. نمودار (۲) الگوی رابطه معنی و دستور را در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی نشان می‌دهد.

گذر [۹] از درون ساخت به برون ساخت در این نظریه نحو آشکار [۱۰] نام دارد زیرا در مکانهایی که حرکت روی می‌دهد شکاف آوایی باقی می‌ماند. ولی گذر از برون ساخت به ساخت منطقی نحو نهان [۱۲] نامیده می‌شود. حرکت در اینجا نیز نحوی است زیرا به کارگیری چندباره حرکت آلفا منجر به حصول ساخت منطقی از برون ساخت می‌شود. اما نحو نهان است زیرا گشتارها باعث به وجود آمدن شکافهای آوایی نمی‌شوند. بنابراین ساخت منطقی بسیار انتزاعی‌تر از برون ساخت است زیرا گشتار حرکت آلفا در این سطح هیچ تاثیر آوایی بر جمله ندارد. (هاگمن: ۱۹۹۴).

سعی این مقاله بر آن است که یکی از ویژگیهای ساختی منطقی در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی را بررسی کند. اما ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه ساخت منطقی

در رهیافت کمینگی [۱۲] با نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی متفاوت است زیرا در رهیافت کمینگی دیگر سطوح نحوی برون ساخت و درون ساخت وجود ندارد و ساخت منطقی تنها سطح نحوی موجود است. یعنی به عبارت دیگر در رهیافت کمینگی دو سطح ساخت آوایی و ساخت منطقی وجود دارد. در اینجا قصد بر آن نیست که ویژگیهای ساخت منطقی در رهیافت کمینگی نیز مورد کاوش قرار گیرد، زیرا انجام این مهم مجالی بیشتر و الاثر می‌طلبد و مهمتر اینکه در صورت نبود آگاهی مبنی بر ویژگیهای ساخت منطقی در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، کاوش در رهیافت کمینگی اندکی دور از ذهن و بی پایه است. در این مقاله به موضوع حرکت سازه پرسشی [۱۳] و تاثیر اصل مقوله تهی [۱۴] بر آن پرداخته می‌شود. اعمال اصل مقوله تهی در ساخت منطقی، بحث اصلی را به خود معطوف می‌کند.

۱-۲- مطالعه ساخت منطقی

پژوهش پیرامون ساخت منطقی شامل چه چیزی است و به چه معنی است؟ فرض بر این است که ساخت منطقی یک نحو منطقی را ارائه می‌دهد که در آن شرایط برای بیان شرایط صدق یک جمله مناسب است. [هورنستاین، ۵: ۱۹۹۶] با این فرض، می‌توان ابتدا شرایط صدق یک جمله را تعیین کرد، سپس نحوی را که برای ارائه چنین شرایطی لازم است معین ساخت و در نهایت عملکردهایی که برون ساخت را به چنین ساخت منطقی متصل می‌کند تعیین نمود. مثال زیر برای کمک به درک این موضوع آورده می‌شود.

(۱)

الف - هرکسی می‌میرد

ب) علی می‌میرد

(۱-الف) و (۱-ب) ساختهای منطقی جدا از هم دارند. در (۱-ب) علی یک اسم خاص است و به فرد معینی اشاره می‌کند، در حالی که در (۱-الف) هرکسی یک سور [۱۷] است. بر حسب آرای راسل و فرگه، ای دو جمله ساختار منطقی [۱۵] متفاوت زیر را

دارند:

(۲)

(الف) (هر xx یک انسان می باشد) [می میرد (x می میرد)].

(ب) (می میرد : x) [x = علی]

(۲-الف) و (۲-ب) ساختار منطقی متفاوت دو جمله (۱-الف) و (۱-ب) را نشان می دهد، حال اگر بپذیریم که ساخت منطقی برای نشان دادن صدق جمله لازم است، و تمایز فرگه و راسل در مورد فرق بین اسامی خاص و سورها را بپذیریم، پس جمله نماهای جملات (۱) در ساخت منطقی باید شبیه ساختارهای منطقی این جملات در (۲) باشد. به عبارت دیگر جمله نماها در ساخت منطقی باید فرق ساختارهای منطقی را نشان دهند.

پس مسئله این است که چگونه از برون ساخت این جملات به ساخت منطقی آنها برسیم. در مورد (۱-ب) تقریباً "مشکل خاصی نیست، زیرا جمله نماهای برون ساخت و ساخت منطقی آنها تقریباً" با هم برابرند. پس شماره (۳) را می توان جمله نمای ساخت منطقی (۱-ب) دانست.

(۳) [علی می میرد].

اما در مورد (۱-الف) ما باید گشتار حرکت آلفا را به صورت افزایش سور [۱۶] انجام دهیم و "هرکسی" را به ابتدای جمله الحاق [۱۷] کنیم. بعد حتماً اثری از این حرکت باقی می ماند که با عنصر حرکت داده شده هم نمایه است.

(۴) [هرکسی ti می میرد].

تا به اینجا برخی ویژگی های ساخت منطقی را نشان دادیم. نخست اینکه، ساخت منطقی را از طریق اعمال گشتار حرکت - آلفا از برون ساخت به دست می آوریم، دوم اینکه ساخت منطقی سطحی است که تمام روابط دستوری و اطلاعات دستوری مربوط به تعبیر معنایی در آن دیده می شود. سوم اینکه این سطح، نحو منطقی صحیح را برای بخش نمود معنایی به دست می دهد. چهارمین ویژگی ساخت منطقی، این است که در

این سطح، از جملات ابهام‌زدایی می‌شود. یعنی اگر جمله‌ای در مرتبه مبهم باشد، دارای سطح ساخت منطقی خواهد بود.

۱-۳- اصل مقوله تهی

اصل مقوله تهی شرایطی را که نیاز است تا اثر اجازه حضور داشته باشد تعیین می‌کند. بر طبق این اصل، یک اثر در یک ساختار تنها وقتی می‌تواند قرار بگیرد که تحت حاکمیت واژگانی [۱۸] قرار داشته باشد. [هاگمن ۱۹۹۴ و کوپر ۱۹۹۳]. حال اگر بپذیریم که ساخت منطقی نیز وجود دارد، سپس اصل مقوله تهی باید در مورد اثرهای نهان نیز اعمال شود. و اگر چنین عملی صورت پذیرد، می‌توانیم ادعای وجود ساخت منطقی را تقویت بیشتری کنیم.

اصل مقوله تهی بین حرکت (الف) قمرها و ادات و (ب) فاعل و مفعول تمایز می‌نهد. (هورنستاین ۱۳: ۱۹۹۶). مثالهای (۵) و (۶) این تمایز را نشان می‌دهد.

(۵)

الف) which car did John wonder how to fix?

ب) * How did John wonder which car to fix?

(۶)

الف) which car did John say that Bill fix?

ب) * which mechanic did John say that fixed the car?

بر طبق اصل مقوله تهی لازم است که:

۱- تمام اثرها تحت حاکمیت واژگانی باشند.

۲- یک اثر تحت حاکمیت واژگانی قرار می‌گیرد اگر تحت حاکمیت یک هسته (x) باشد یا توسط مرجع آنها تحت قید مکانی [14] باشد. (قید مکانی را در اینجا قرار گرفتن داخل یک بند در نظر می‌گیریم).

حال به برون ساخت جملات (۵) و (۶) در شماره‌های (۷) و (۸) توجه می‌کنیم تا علت

غیر دستوری بودن (۵-ب) و (۶-ب) را دریابیم.

۷)

(الف) [Which car [John wonder [how[PRO to fix t] t]]]

(ب) [How [John wonder [Which car [PRO to [fix t] t]]]

۸)

(الف) [Which car [John say [that [Bill fixed t]]]

(ب) [Which mechanic[John say[t that[t fixed the car]]]

با بررسی جملات [۷-الف و ب] متوجه می‌شویم که در هر دو t اثر یک قمر از فعل "fix" است، و در هر دو جمله تحت حاکمیت واژگانی این فعل قرار دارد و اصل مقوله تهی را نقض نکرده است. در [۷-الف] نیز t اگر چه بصورت تحت حاکمیت واژگانی قرار ندارد، ولی چون how در comp جمله قرار گرفته است، پس در قید مکانی آن است و جمله دستوری است.

در مورد جملات [۸-الف و ب] نیز استدلال تقریباً مشابهی داریم. در [۸-الف]، تحت حاکمیت واژگانی fix قرار دارد ولی در (ب) t که فاعل جمله درونه است نمی‌تواند تحت حاکمیت واژگانی قرار بگیرد، و در قید مکانی مرجع نیز نمی‌باشد چون واژه that مانع آن می‌شود. این مثالها برای نشان دادن این مطلب بود که در زبان انگلیسی اصل مقوله تهی در برون ساخت دستوری یا نادستوری بودن چنین جملاتی را می‌تواند تعیین کند.

نگاهی به جملات پرسشی در فارسی نشان می‌دهد که در فارسی بر خلاف انگلیسی، حرکت واژه پرسشی اختیاری است. [مشکوٰۃ الدینی ۱۳۴: ۱۳۷۶]. یا به عبارت دیگر در فارسی واژه پرسشی در جا [۲۰] به کار می‌رود. جملات زیر مفهوم این گفته را صریح‌تر نشان می‌دهد.

(۹)

الف) علی کی را دید؟

(ب) کی علی را دید؟

(ج) نوشین به چه کسی هدیه داد؟

(د) به چه کسی نوشین هدیه داد؟

(ه) کی حسین را دید؟

(و) تو حسین را کی دیدی؟

(ز) کی حسین را تو دیدی؟

(ح) حسین را کی دید؟

هورنستاین زبان فرانسه را جزء زبانهایی می داند که واژه پرسشی در جا بکار می برند. او مثالهای زیر را نقل می کند تا نشان دهد در فرانسه نیز مقوله تهی عمل می کند، اما فرق آن با انگلیسی در این است که در دومی این اصل در برون ساخت عمل می کند، ولی در اولی در ساخت منطقی عمل می کند. مثالهای وی را در اینجا نقل می کنیم و سپس با مثالهایی از زبان فارسی مقایسه می کنیم تا ببینیم آیا اصل مقوله تهی در فارسی نیز نقشی همانند زبان فرانسه بازی می کند یا فرقهایی با آن دارد.

(۱۰)

الف) pierre a dit que Jean a vu qui

P.has said that J. has seen who.

"who did pierre say that Jean saw".

ب) *Pierre a dit que qui vu Jean.

P.has said that who has seen J.

"Who did Pierre say that saw Tohn".

جملات (۱۰-الف و ب) در زبان فرانسه، همان حالت پرسشی از فاعل و مفعول در جملات (۸-الف و ب) در انگلیسی را نشان می دهند. با توجه به این نکته که در هر دوی این زبانها، در چنین جملاتی پرسش از فاعل منتهی به غیر دستوری شدن جمله می گردد، پس می توان نتیجه گرفت که در فرانسه اصل مقوله تهی در ساخت منطقی اعمال می شود و نادستوری بودن جمله (۱۰-ب) را توجیه می کند. (هورنستاین

۱۴:۱۹۹۶) جمله نمای (۱۰-ب) در ساخت منطقی اینگونه خواهد بود.

(۱۱) [Qui:[pierre a dit [Que t a vu Jean]].

در اینجا نیز می بینیم که اثر ti تحت حاکمیت واژگانی نیست و از طرفی در قید مکانی نیز نمی تواند باشد. چون وجود que باعث متفی شدن آن می شود.

اما به نظر می رسد مثالهای زبان فارسی این ادعای مطرح شده توسط گشتاریون را در مورد اعمال اصل مقوله تهی در ساخت منطقی در زبانهای واژه پریشی در جازیر سؤال می برد. مثالهای (۱۲-الف و ب) را در نظر بگیرید.

(۱۲)

الف) حسین گفت که علی چه کسی را دید؟

ب) حسین گفت که چه کسی علی را دید؟

برای ساده تر شدن مقایسه مثالهای فارسی با انگلیسی و فرانسه آنها را بصورت واج نویسی شده می آوریم.

۱۳)

الف) hossein goft ke 'ali ce kasi ra did.?

H.said that A. whom_ra saw.

"Whom did Hossein say Ali saw?"

ب) hossein goft ke ce kasi 'ali ra did.

H. said that whom A. -ra saw

"Who did Hossein say saw Ali".

اگر بنا به فرض هورنستاین، اصل مقوله تهی در ساخت منطقی زبان فارسی نیز عمل کند، باید جمله (۱۳-ب) بصورت نادستوری درآید، بواقع به گفته وی ساخت منطقی (۳-ب) را باید به صورت (۱۴) در نظر بگیریم.

۱۴) [ce kasi [hossein goft {ke ti 'ali ra did }]]

در ساخت منطقی (۱۴) اثر نمی تواند تحت حاکمیت واژگانی قرار بگیرد و به خاطر

وجود "که" نیز با مرجع خود در قید مکان، یعنی بند یکسان نمی باشد. با این حال این جمله دستوری است. به عبارت دیگر ساخت منطقی (۱۴) اصل مقوله تهی را نقض می کند ولی همچنان دستوری باقی می ماند.

شاید بتوان با اختیاری فرض کردن گشتار حرکت سازه پرسشی در زبان فارسی تا حدی این مسئله را توجیه کرد. وقتی که سازه پرسشی به جای مفعول نشست است جابجا کردن آن، جمله نادرستی تولید نمی کند به این علت جمله (۱۵) با اعمال گشتار جابجایی واژه پرسشی به جمله (۱۲الف) باز دستوری باقی می ماند.

(۱۵) چه کسی را حسین گفت که علی دید؟

البته حذف "که" و آوردن ضمیر "کی" به جای چه کسی "جمله را مقبول تر می نماید. اما در مورد جمله (۱۲ب)، گشتار جابجایی واژه پرسشی به جمله نادرستی منتهی می شود.

(۱۶)* چه کسی حسین گفت که علی را دید؟

نتیجه ای که می توان از این بحث گرفت این است که، اگر در مورد واژه پرسشی که به جای فاعل به کار رفته است، گشتار اختیاری جابه جایی صورت نپذیرد، جمله کاملاً دستوری باقی می ماند، هر چند اصل مقوله تهی در ساخت منطقی را نقض می کند. اما در همین حال اعمال گشتار اختیاری باعث غیر دستوری شدن جمله می شود، که البته در آن صورت اصل مقوله تهی در برون ساخت نیز نقض شده است. و اینها نکاتی است که پژوهش بیشتر را طلب می کند. همچنین بر خلاف گفته مشکوة الینی (۱۳۵: ۱۳۷۶) که سازه های پرسشی را نمی توان از جملات درونه حرکت داد، مشاهده میشود که اگر سازه پرسشی در جای مفعول نشست باشد، امکان حرکت آن وجود دارد ولی اگر سازه پرسشی در جای فاعل نشست باشد حرکت آن منتهی به غیر دستوری شدن جمله می گردد. (جمله ۱۶)

کلام آخر اینکه، موضوع ساخت منطقی در نظریه حاکمیت و مرجع گزینی و همچنین در رهیافت کمینگی از موضوعاتی است که پژوهشی فراوان نیازمند است. چون ادعا بر آن است که تمام زبانها باید دارای ساخت منطقی یکسان باشند، یعنی ساخت منطقی باید

جهانی باشد، بررسی و یافتن مسائل و مشکلاتی از این گونه که در مقاله حاضر مطرح شد میتواند دید ما را نسبت به جایگاه واقعی ساخت منطقی تعدیل کند و مسائل پیش رو را به چالش طلبد.

یادداشتها

- [1] Logical Form
- [2] Trace Theory
- [3] S-structure
- [4] Revised Extended Standard Theory
- [5] D-Structure
- [6] α _ movement
- [7] Co_indexed
- [8] Government and Binding Theory
- [9] Derivation
- [10] Overt syntax
- [11] Covert syntax
- [12] Minimalist Program
- [13] Wh_movement
- [14] Empty category principle
- [15] Logical structure
- [16] Quantifier Raising
- [17] Adjoine
- [18] Proper government
- [19] Locally bound
- [20] in-situ

منابع و مأخذ

- 1- Chomsky, N. (1981) Lectures on Government and Binding. Dordrecht, Forthc
- 2- Cook, VJ and Mark Newson. (1996). Chomsky's Universal Grammar, An introduction. Basil Blackwell
- 3- Cowper, E. (1992). A concise introduction to syntactic theory. The Government-Binding Approach. Chicago university press.
- 4- Haegeman, L. (1994). An introduction to Government and Binding. second edition. Blackwell.
- 5- Hornestine, N. (1996). Logical Form, from GB to Minimalism, Blackwell.
- ۶- کریمی، سیمین. (۱۳۷۶). "از ژرف ساخت تا ساخت منطقی و نظریه مینیمالیست. مجله زبان‌شناسی، سال دوازدهم شماره اول و دوم ۱۳۷۴.
- ۷- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۶). "جابجایی سازه پرسشی در جمله‌های زبان فارسی و برخی نتایج نظری آن" مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی به کوشش: یحیی مدرسی، محمد دبیرمقدم. انتشارات دانشگاه علاه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- میر عمادی، سیدعلی (۱۳۷۶). نحو زبان فارسی: برپایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی. تهران: انتشارات سمت.